

علم همواره تحول آفرین و تمدن ساز بوده است

پایی صحبت دکتر محمد رضا نوری دلویی

اشاره

در قسمت نخست این گفت و گو که در شماره پیشین این نشریه به چاپ رسید، دکتر نوری دلویی به پرسش‌هایی از جمله درباره نخستین روزهای تأسیس مجله رشد آموزش زیست‌شناسی، ویژگی‌های استادان معروف دانشگاه بهویژه دکتر عبدالله شبیانی، نخستین تلاش‌ها برای آشنایی جامعه کشور ما با زیست‌شناسی سلولی-مولکولی پاسخ دادند.

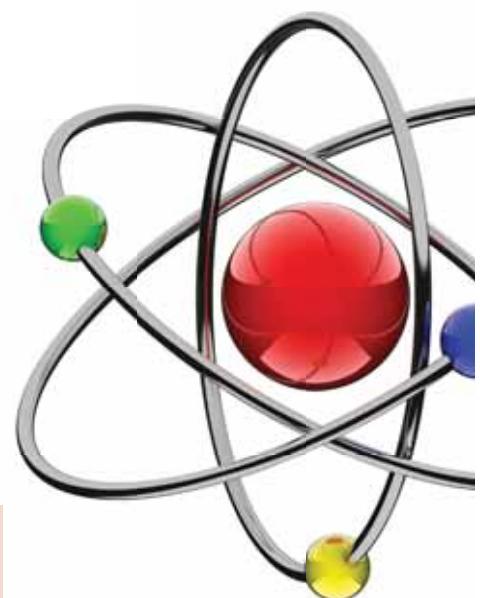
محمد کرام الدینی

قسمت دوم و پایانی

باشیم که پیشرفت علمی و فنی هم سزاوار ماست و هم امکان پذیر است. ما ثروت عظیم و کم مانندی داریم و آن استعدادهای خیره‌کننده جوانان برومند است که فارغ از شعارزدگی و برخوردهای احساسی، باید به شکوفایی آن همت کرد. باید میدان را برای ایجاد تولیدات علمی، فرهنگی و نوآوری باز کنیم. فرست چندانی نداریم. همین امروز باید کاری بکنیم. اگر به فرض- از پیشرفت‌های خیره‌کننده کشورهای پیشرفت‌هه علمی جهان در این میدان‌ها، بگذریم؛ به طور فرایند شاهد این واقعیت هستیم که بسیاری از کشورهای در حال توسعه مانند هندوستان، پاکستان، چین، مالزی، کره جنوبی، کوبا و سنگاپور با عزمی ملی، فرآگیر و کاملاً جدی مدتی است که برای سیاست‌های بیست ساله آینده خود در زمینه مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی، به طور همه جانبه و در حد اکثر امکانات و داشته‌های خود، برنامه‌ریزی کرده‌اند و به نتایج سودمندی نیز رسیده‌اند، اما متأسفانه هنوز کشور ما از تجارب مثبت آن‌ها نیز به درستی عبرت نگرفته است. از آنجا که هر گونه حرکتی

شما از نخستین نسلی هستید که دانش و فنون راهبردی مهندسی ژنتیک را در کشور شروع کردید، اگر سخنی در اینباره دارید، لطفاً بیان دارید.

به لطف خدای سبحان، این جانب- به عنوان اولین نسل تربیت شده در این دانش و فن راهبردی، آن هم در یکی از بهترین دانشگاه‌های جهان در کشور آمریکا بهترین سال‌های جوانی و میان‌سالی عمر خویش را آگاهانه و با تمام عشق به خدمت به مردم شریف و به طور شبانه‌روزی و خستگی‌ناپذیر در جهت استقرار اصولی این دانش و فن راهبردی- و از جمله تأسیس مرکز ملی تحقیقات مهندسی ژنتیک و فناوری زیستی- در کشور سپری کرده‌ام به نیکی می‌دانم که با کمال تأسف، در میدان عمل، حتی از درصد اندکی از توانایی‌های شماری از متخصصان و پژوهشگران برجسته و موجود کشور در این قلمرو راهبردی و دیگر توانمندی‌های مربوط، استفاده مقصودمند به عمل نیامده است. ما اگر می‌خواستیم، حقیقاً می‌توانستیم در این میدان به طور جهشی پیشرفت‌های فوق العاده‌ای داشته



باید میدان را برای ایجاد تولیدات علمی، فرهنگی و نوآوری باز کنیم



**در همه
کشورهای
توسعه
یافته علمی
و صنعتی،
دانشگاه
کانون
تحولات
جامعه بوده
و اصلی ترین
سهم را در
تولید ثروت،
قدرت و
اقتدار ملی
داراست**

◆ چه راه حلی به نظرتان می‌رسد؟

پیداست که در غیاب مشارکت واقعی مردم و رقبابت سازنده و سالم، جایی برای نشاط، امید و سازندگی همه جانبه باقی نمی‌ماند. اگر علوم و فنون مشکل گشا هستند- که هستند- و اگر شایسته سالاری و کار گروهی منسجم و هدفدار در عمل باید آثار پربرکت خود را نشان دهند، مدیریت متعهدانه علمی و عاشق اعلای کشور نیز باید که در میدان عمل در صدر نشینند و به عنوان یک باور عمیق و ضرورت ملی، سرلوحة کار مسئولان کشور قرار گیرد.

در چنین شرایطی و در کنار دیگر ملزمومات دانشگاه‌های ما توان آن را خواهند یافت با پیوندی پویا با واقعیت‌های اجتماعی و رشد ارزش‌های آن، شیفتۀ جامعه و خدمتگزار واقعی آن باشند و محقق پروری کنند.

در ارتباط با پیشرفت‌های فوق العاده خیره کننده و سریع علمی و فنی در دنیای توسعه یافته، باید به خود آییم و لحظه‌ای درنگ نکنیم و گام‌های در خور برداریم، در غیر این صورت با کمال تأسف فاصله ما با این کشورها صد چندان خواهد شد. فرزند زمان باشیم و برای آیندگان کاری بایسته انجام دهیم.

بنیادی در جهت تقویت اصولی علوم و فنون- و از جمله مهندسی ژنتیک و بیوتکنولوژی - چه در عرصه پژوهش و چه در میدان تولید، و در واقع توسعه همه جانبه، متوازن و پایدار در کشور، زیر ساخت‌ها و بستر مناسب خود را می‌طلبند و هر گونه پیشروی در این قلمرو نیز، تحقیقاً متأثر از مجموعه شرایط و مسایل کشور است.

◆ بمنظر شما چه چالش‌هایی در مسیر توسعه

این علوم و فنون در کشور وجود دارد؟

متأسفانه روند توسعه یافته‌گی در کشور چالش‌های جدی به‌ویژه در میدان‌های فرهنگی، آموزشی، اقتصادی و اجرایی مواجه است. بافت موجود در نظام مدیریت اجرایی کشور نیازمند تحولات ساختاری، محتوایی، نوسازی و سالم‌سازی است و چنین است که به طور گسترده با شرایط و نیازهای جامعه و با تحولات جهانی همگام نیست. از جمله، از ابیوه نخبگان و فرزانگان کشور استفاده چندانی که باید نمی‌شود. بدینهی است با عدم کارآمدی مورد انتظار بسیاری از مدیران و عدم چرخش و گردش درست نخبگان، مشکلات کشور هرگز حل نمی‌شود.



در سال ۲۰۲۰ به ۱۵ دلار یا کمتر، کاهش یابد و زمان لازم برای انجام آن به چند دقیقه تا حد اکثر یک ساعت تقلیل یابد! جمع‌بندی این مثال-در یک باره زمانی ۳۰ سال- تأکیدی بر کاهش چشمگیر هزینه یک طرح عظیم جهانی و راهبردی از بیش از سه میلیارد دلار و در زمان حدود ۱۵ سال، به رقمی حدود ۱۵ دلار در کمتر از یک ساعت است!

مثال دوم، تأکید بر این مطلب است که در آینده‌ای بس نزدیک پزشکی مولکولی دستخوش تحولات اساسی خواهد شد و از جمله هر فرد بیمار بر پایه اطلاعات مولکولی و ژنومی خود درمان خواهد شد. از آنجا که اطلاعات ژنتیکی (و ژنومی) هر فردی و هر موجودی منحصر به فرد است، درمانی که برای او به کار خواهد رفت نیز منحصر به فرد خواهد بود. در نتیجه، پزشکی شخصی را شاهد خواهیم بود و در حدود یک دهه آینده در درمانگاه‌های کشورهای توسعه یافته علمی، پزشکان و متخصصان امر به مطالعه نیمرخ‌های ژنتیکی بیماران که روی ابزارهایی مانند سی‌دی ذخیره شده‌اند خواهند پرداخت. فارماکوژنتیک اوج خواهد گرفت و داروهایی که به هر فرد داده شود، مناسب با ژنتیک خاص او خواهد بود. کوتاه سخن: دوران استفاده از داروی مناسب با دوز مناسب، در زمان مناسب و برای فرد معین به زودی فراخواهد رسید. این سخن به دلایل فراوان علمی

**دانشگاه‌های
ما، در ایفای
پیشرفت‌های جهانی اندکی بیشتر توضیح
دهید؟**
برای درک بهتر این تحولات بی‌سابقه با دو مثال
مصادقی از رشتۀ تخصصی نگارنده مطلب را شفاف‌تر
کنیم. در روزگاری نه چندان دور- برای نمونه سده
۱۸ و اوایل سده ۱۹- تخمین‌ها در ارتباط با افزایش
دانش زیست‌شناسی (واز جمله قلب تپنده‌آن یعنی
ژنتیک) بدین نحو بود که در هر ۵۰ تا ۱۰۰ سال،
دانش انسان در این قلمرو به دو برابر افزایش می‌یابد.
اینک در سال ۲۰۱۵ میلادی؛ دانشمندان بر این
باورند که در کمتر از هر دو ماه، دانش ما نسبت به
ژنتیک مولکولی پزشکی و انسانی دو برابر می‌شود!

**آنچنان که باید
نیاز بازار کار
(تولیدی)
موفق نیستند**

مثلاً، برای اجرای طرح بین‌المللی ژنوم انسان- به عنوان بزرگ‌ترین و گستردترین طرح تاریخ زیست‌شناسی و ژنتیک پزشکی- که در سپتامبر ۱۹۹۰ به طور هماهنگ و برنامه‌ریزی شده توسط آمریکا و دهها کشور دیگر در صدها آزمایشگاه و با مشارکت هزاران پژوهشگر آغاز شد؛ آمریکا به تنها یی ۳ میلیارد دلار هزینه کرد و نتایج اولیه طرح در سال ۲۰۰۳ آفتابی شد. هم اینک برای انجام چنین طرحی مبلغی کمتر از هزار دلار (یعنی ۳ میلیون مرتبه کمتر!) و یک روز کاری (در مقایسه با ۱۵ سال!) کفایت می‌کند و پیش‌بینی می‌شود هزینه این کار

رنجی باید برد تا به گنجی دست یافت

در این نشریه بین‌المللی صدها مقاله علمی- پژوهشی ارزشمند از پژوهشگران دانشمندان بسیاری از کشورهای جهان چاپ شده است که همچنان ادامه دارد

این نشریه چگونه و با چه اهدافی شروع به انتشار کرد؟

نخستین سنگبنای نشریه بین‌المللی علوم پایه جمهوری اسلامی ایران، در پی پیشنهاد نگارنده در سال ۱۳۶۶ (همراه با ارائه طرح، هدف‌ها، برنامه و تأکید بر ضرورت و اهمیت موضوع و پیگیری آن) و حمایت جدی وزیر محترم وقت وزارت فرهنگ و آموزش عالی در بیست و هفت سال پیش، بر زمین نهاده شده و پس از حدود دو سال تلاش مستمر پشت صحنه (برای تدارک مجموعه مقدمات برنامه تفصیلی کار و دیگر ملزومات) از پاییز ۱۳۶۸ با تناوب فصلی، تأسیس و به‌طور رسمی کار مستمر خود را آغاز کرد. هدف‌های اصلی انتشار این نشریه که به زبان انگلیسی و در سطح بین‌المللی برای اولین بار در کشور منتشر و توزیع می‌شود، عبارت‌اند از انتشار آخرين نتایج مطالعات و پژوهش‌های ارزنده علمی و علمی- کاربردی در علوم پایه؛ به منظور کمک به مسئله‌یابی و حل مسائل علمی و توسعه اجتماعی، اقتصادی و خدماتی؛ کمک به ایجاد ارتباط بین مراکز علمی و پژوهشی و نیز بین دانشمندان، پژوهشگران و کارشناسان داخل و خارج، هدف اصلی دیگر نشریه را شامل می‌شود. منظور از این هدف، انتقال، تبادل و استفاده آموخته‌های تجربیات و اشاعه دستاوردهای علمی و در نتیجه گسترش مزهای دانش در کشور و شناساندن فعلیت‌های علمی به محافل بین‌المللی در زمینه‌های مختلف و متنوع علوم پایه مشتمل بر زیست‌شناسی، شیمی، زمین‌شناسی، فیزیک و ریاضیات، آمار و علوم رایانه‌ای است. این نشریه به‌طور مستمر برای معتبرترین مراکز پژوهشی، آموزشی و دانشگاهی داخلی و خارجی، در زمینه‌های مختلف علوم پایه و کتابخانه‌های معتبر داخلی و خارجی نیز ارسال می‌شود. نشریه‌های معتبر بین‌المللی متعددی نیز این نشریه را به رسمیت شناخته و خواستار تبادل با آن شده‌اند، رویکردی که به‌طور فراینده ادامه دارد. همچنین، وصول هزاران نامه حاوی نظرات، انتقادهای سازنده، پیشنهادها و تشویق‌های صمیمانه اساتید پژوهشگران علوم پایه از داخل و خارج به دفتر نشریه، نشانگر استقبال بسیار گسترده‌ای است که از این نشریه در سطح ملی و بین‌المللی به عمل آمده است که از آن جمله می‌توان به نامه دبیر کل محترم وقت یونسکو اشاره کرد که در آن از جمهوری اسلامی ایران به خاطر انتشار این نشریه سپاسگزاری کرده است.

و دستاوردهای فوق العاده پژوهشی، در مورد تعذیبه و رژیم غذایی نیز مصدق دارد، یعنی برای ارتقای سلامت و بهداشت جسمی و روانی چشمگیر انسان‌ها رژیم غذایی و سبک تغذیه‌ای انسان نیز فردی و شخصی خواهد شد.

یک پرسش متفاوت: شما از سال ۱۳۶۶ تاکنون سردبیری و مدیر مسئولی مجله بین‌المللی علوم جمهوری اسلامی ایران را نیز بر عهده دارید. این نشریه اکنون در چه وضعیتی است؟ آیا در ISI هم نمایه می‌شود؟

«رنجی باید برد تا به گنجی دست یافت.» تأسیس «مجله بین‌المللی علوم جمهوری اسلامی ایران» در سال ۱۳۶۶ و وابسته به وزارت علوم، تحقیقات و فن‌آوری، توفیق مهم دیگری از این جانب است که هم‌چنان مدیر مسئولی و سردبیری آن را بر عهده دارد، این نشریه که در ISI نیز نمایه می‌شود، پژوهش‌های علوم پایه را که برای نخستین بار در کشور انجام می‌شود، به شکل روزآمد به زبان انگلیسی منتشر می‌کند. اشاره می‌کنم که از سال ۱۳۸۱، دانشگاه تهران (به جای مرکز تحقیقات علمی کشور) صاحب امتیاز این نشریه است. در این نشریه بین‌المللی صدها مقاله علمی- پژوهشی ارزشمند از پژوهشگران و دانشمندان بسیاری از کشورهای جهان چاپ شده است که هم‌چنان ادامه دارد. از جمله از مرحوم پروفیسور عبدالسلام دانشمند مسلمان و برنده جایزه نوبل فیزیک (در سال ۱۹۶۹) نیز مقاله‌ای چاپ شده است.

تأکید می‌کنم عزیزانی که دست‌اندرکار این امور هستند مستحضرند که تأسیس نشریه‌ای علمی- پژوهشی، به زبان انگلیسی و در سطح بین‌المللی آن هم در نوع خود برای نخستین بار و با تکمیر امکانات چقدر دشوار است و به تلاش‌های مستمر طاقت سوز نیاز دارد. با این همه، خدای را شکر می‌گزاریم که توفیق داد بتوانیم با عشق و انتقاد به ضرورت این حرکت علمی- فرهنگی، با پیگیری مستمر، تلاش خستگی‌ناپذیر، استقامت، صبر و پایداری در برابر طوفان‌های فراروی، نشریه را زنده نگه داریم، تا فرزنده ۲۸ ساله امروز ما، رشد کند، به نهال تنومند بدل شود و نهادینه شود. به بار نشستن ۲۸ سال رنج و تلاش مستمر، بدون تردید توفیقی است که ضرورت حفظ و ارتقای آن بر اهالی علم و دانش و پژوهش پوشیده‌نیست.

توکل و حمایت خداوند از همه آن‌ها- که تفضیل اش فرست مستقلی می‌طلبد- با سرافرازی عبور کرده‌ایم. آری، از برخوردهای یک سویه، سلیقه‌ای، غیرعملی و غیرمنطقی از سوی برخی از مسئولان وقت که در مواردی نشیره را در آستانه تعطیلی و مرگ قرار داده بود، بالطف پرودگار عبور کردیم و هم‌چنان به حرکت خود تا آن زمان که او بخواهد- ادامه می‌دهیم.

موجب خرسندی است که نشریه به اصراف هزینه‌های مادی و معنوی سال‌هاست که نهادینه شده و توفیق یافته است به عنوان تریبونی وزین برای معرفی نتایج و آنل ارزنده تحقیقات کشور، نقش سیار مؤثری ایفا کند. به روز شدن این نشیره به ویژه در دهه‌اخیر و قرار گرفتن به نگام آن در عموم کتابخانه‌های دانشگاه‌ها و دانشکده‌های علوم کشور و مراکز تحقیقاتی علوم پایه و بسیاری از کتابخانه‌های معتبر موجود در بیش از یک‌صد کشور جهان که براساس نامه‌های دریافتی به نوبه خود، موجبات افتخار و سربلندی را برای بسیاری از دانشمندان ایرانی مقیم خارج از کشور نیز موجب آورده است؛ از جمله دستاوردهای این نشیره محسوب می‌شوند. این توفیق‌ها، مرهون لطف الهی و سال‌ها رنج، مایه گذاشتن از دل و جان و تلاش عاشقانه، مسئولیت‌شناسی و تلاش خستگی‌نایذیر مجموعه‌صمیمی و پرتلاش همکاران ارجمند ما در سراسر کشور است که همواره دست‌اندرکاران نشیره را بی‌دریغ مورد حمایت‌های صمیمی خود قرار داده و می‌دهند و خستگی‌های حادث از پیمودن راه دشوار را از تن و جان ما می‌زدایند. پیداست که چنین موقعیتی ارزان به دست نیامده است و بذرهای کاشته شده دیروز با مراقبت مستمر، نهال‌های سبز ریشه‌داری شده‌اند که برای قوام، اعتلای بیشتر و توسعه اصولی همچنان باغبانی، پاسداری دلسوزانه، متعهدانه و آگاهانه را طلب می‌کند. این نشیره از طریق سامانه نشریات دانشگاه تهران، مقاله‌ها را تنها به صورت آنلاین دریافت و بررسی می‌کند. برای اطلاعات بیشتر پی‌رامون نشیره، می‌توان به سایت نشیره (http://jsciences.ut.ac.ir) مراجعه کرد.

شماره نخستین سرمهقاله مجله به درستی از اهمیت علم در اسلام نوشتید و از دانشمندان ایرانی اسلامی نام بردید. روزگاری کتاب‌های دانشمندان ایرانی کتاب‌های درسی بسیاری از دانشگاه‌ها و مراکز علمی جهانی بود. فکر می‌کنید اکنون موقعیت علمی (متوسطه و

۶ آیا آماری درباره تعداد مقالات آن دارد؟

کل مقاله‌های دریافتی در مجموع ۲۹۸۰ عدد بوده است که پس از داوری‌های لازم حدود ۳۴ درصد آن مصوب شده و در بیش از ۱۰۲ شماره نشریه چاپ شده است. در حدود ۲۱ درصد مقاله‌های چاپ شده از پژوهشگران دیگر کشورهای جهان از جمله و از نظر فراوانی انگلستان، هند، آمریکا، استرالیا، پاکستان، آلمان، نیجریه، کانادا، ایلان، فرانسه، ایتالیا، چین، روسیه و... بوده است (این آمار مربوط به روز گفت و گو بوده و بدیهی است که با گذشت زمان در تغییر است).

این نشریه، در شماری از نشریات و شبکه‌های

معتبر جهانی (پایگاه داده‌ها) مشتمل بر

ISI, Scopus, Scientific Information Database (SID) Biological Abstracts, Biosis Selective Coverage Unique, Biosis Previews, Zoological Records, Chemical Abstracts, Methods in Organic Synthesis, Mathematical Reviews, Current Mathematical Publications and Math. Sci.

Net, نمایه می‌شود.

این رویکرد به طور مستمر ادامه دارد و امید است در آینده بر تعداد آن اضافه شود. در خلال این مدت، افرون بر شماری جلسه فوق العاده و ضروری؛ هیئت تحریریه (که از میان بهترین اساتید و پژوهشگران دانشگاه‌های دار علوم یا به انتخاب شده‌اند)، ۳۲۱ جلسه منظم ماهیانه داشته‌اند که میانگین هر جلسه، حدود ۵ ساعت بوده است (این آمار مربوط به روز گفت و گو بوده و بدیهی است که با گذشت زمان در تغییر است).

این توفیق‌ها،

مرهون لطف الهی

و سال‌ها رنج،

مایه گذاشتن

از دل و جان و

تلاش عاشقانه،

مسئولیت‌شناسی

و تلاش

خستگی‌نایذیر

مجموعه‌صمیمی

و پرتلاش

همکاران ارجمند

ما در سراسر

کشور است



**در جامعه‌ای که
غول استعداد
و خلاقیت کش
کنکور همچنان
و پررنگ،
حافظه‌های
فرزندهان ما را
هدف گرفته
است، گسترش
خیره‌کننده تعداد
دانشجویان
و بهویژه در
تحصیلات
تکمیلی که
در جهان
مانندی ندارد،
نگرانی‌های
عمیقی را در
صاحب نظران
دلسوز
ایجاد کرده است**

علمی، سهم آدمی در خلق ثروت و قدرت، به تنها، دست کم چهار برابر سهم همه عامل‌های دیگر است؛ سهمی که همچنان رو به افزایش است. بنابراین، بدون تردید انسان محور، توسعه است و منابع انسانی بنیاد ثروت جوامع را شکل می‌دهند. مجموعه عامل‌های دیگر (اعم از منابع مادی و سرمایه و منابع طبیعی) اگرچه نقش دارند؛ اما نقش کانونی توسعه تحقیقاً انسان‌های دانان، کاربلد، روزامد و متعهد هستند. و بعویظه از این جهت است که نقش آموزش‌وپرورش و آموزش عالی به مفهوم درستش در تربیت و توسعه منابع انسانی کارдан بی‌رقیب است. منظور از توسعه نیز، مفهوم فراگیر، درون‌زاجهان‌نگر، پایدار و متوازن آن است که فرهنگ، اجتماع، سیاست و اقتصاد، یعنی قلمروهای مادی و معنوی زندگی ما را در بر می‌گیرد. این مفهوم، پیوندی عمیق و ارگانیک با علم و فناوری دارد. زندگی در عصر جدید مستلزم کسب مهارت‌های تازه و فراگیری و استقرار فناوری‌های جدید است که همراه با خود، چالش‌ها و فرصت‌های تازه‌ای را آورده است. پیشرفت و توسعه نیز با نو شدن آغاز می‌شود و در جهان کنونی هیچ توسعه‌ای بدون علم ممکن نیست. ارتباط توسعه پایدار و از جمله توسعه اقتصادی با ساختار مناسب علمی، پژوهشی، فناوری و نوآوری انکارناپذیر است. در

دانشگاهی) ما در جهان چگونه است؟ آیا در سال‌های اخیر پیشرفت قابل توجهی داشته‌ایم؟

این پرسش بسیار مهمی است که پاسخ اجمالی آن چندین نوشتار مستقل را می‌طلبد، بنابراین با عنایت به ضرورت رعایت اختصار، تنها می‌توان به مواردی اندک به عنوان نمونه اشاره کرد و در مناسبت‌های دیگری این شاء... به نحو درخور به آن پرداخت. در زمانه‌ای زندگی می‌کنیم که آموزش و پژوهش هدفدار در همه شئونات زندگی انسان نقشی تعیین کننده و پیشناز دارد. در این روزگار، آموزش‌ها با سرعتی شگرف، پژوهش محور می‌شوند و تفکر، میدان واقعی پرورش است. در این روزگار بیش از همیشه علم و دانش برای زندگی، نقشی همانند اکسیژن دارد و دفعه‌ای اصلی چالش بین دانایی و نادانی است و دانایی و توان انسان، محور توسعه پایدار است. ثروت واقعی، همان دانایی، نیروی انسانی کارامد و بافضلیت است و علوم و فن‌آوری‌ها در خشان ترین امید جمعیت آینده جهان است.

شاهکلید توسعه و تولید ثروت انسان و سرمایه انسانی - دانش، توانایی‌ها، مهارت‌های روزامد، خلاقیت‌ها و نوآوری‌ها، توسعه مدیریت و افزایش بهره‌وری - است. براساس تخمین‌های محافظه‌کارانه

آیین‌نامه‌ها و مقررات را به آن دیکته نمی‌کنند. دانشگاه مبتنی بر فرهنگ و اخلاق، قطعاً می‌تواند در چارچوب نظام و منافع ملی در همه مسائل خود را اداره کند. در چنین دانشگاهی میان آموزش، پژوهش و نوآوری و نیز توسعه کمی و توسعه کیفی، تناسب همه جانبه برقرار است. نقش تعیین‌کننده دانشگاه فعال و روزامد در تربیت نیروی انسانی متخصص مورد نیاز جامعه، ترویج و ارتقای دانش؛ توسعه پژوهش، فناوری، نوآوری و کارآفرینی، در توسعه فرآگیر کشور انکارنابذیر است. به دلایل فراوان، استادان و متخصصان دانشگاه در عین حال که هرگز تافته جدا بافته نیستند، اما به جهت ماهیت کار و رسالت سنگین خود، کارمند متعارف به شمار نمی‌آیند. اگر دانشگاه سرچشمه معرفت، دانش، ایده و مفهوم است؛ طبیعتاً، جایگاه استادان نیز بسیار رفیع است.

برنامه‌ریزی درست، یعنی متناسب با نیازهای

راستای اعتلای زندگی مادی و معنوی انسان پژوهش از ارکان توسعه پایدار است. فناوری به مثابه مقوله‌ای فرابخشی، محور و کلید اصلی دستیابی به توسعه است و در واقع پلی میان علم و صنعت به مفهوم کلی آن است. امروزه دانش، پژوهش، فناوری، نوآوری، کارآفرینی و در واقع دانایی مؤثرترین ابزار حیات از ارکان اقتدار و امنیت ملی و قدرت اقتصادی، اجتماعی، سیاسی و فرهنگی و از ملزمات اساسی برای توسعه به شمار می‌آید. شتاب دم افزون تحولات علمی و توسعه مرزهای دانش‌های لحظه به لحظه دستاوردهای از علم و صنعت را جایگزین یافته‌های پیشین می‌کند. تحقیقاً کانون شکوفایی و رشد و توسعه و از جمله اقتصاد دانش‌محور، انسان دانا و قلب آن دانشگاه مطلوب است. با چنین دانشگاهی که نیروی محركة تولید دانش و فناوری است، چرخهای اقتصاد کشور و تولید رونق می‌یابد. دانشگاه واقعی به مثابه نهادی زنده، پویا و سرشار از نشاط و بالندگی است. در همه کشورهای توسعه یافته علمی و صنعتی، دانشگاه کانون تحولات جامعه بوده و اصلی‌ترین سهم را در تولید ثروت، قدرت و اقتدار ملی دارد.

۶ اصل‌به‌نظر شما نقش دانشگاه و جایگاه آن در جوامع چگونه باید باشد؟

دانشگاه در مفهوم راستین خود، دارای رسالت‌ها و نقش‌های ممتاز و بی‌بديل است که شماری از مهم‌ترین آن‌ها را یادآور می‌شون: کانون عقلانیت، حقیقت پژوهشی، اعتماد به نفس خودبایاری و خوداتکایی علمی؛ تولیداندیشه، ترویج روحیه‌آزادگی و آزادمنشی؛ سرچشمه تولید علم، معرفت و تغذیه کننده اهل سیاست و دیگر حوزه‌های اجتماعی، تربیت نیروی انسانی کارآمد مسئول و مورد نیاز کشور و در واقع توسعه انسانی؛ انجام پژوهش‌های بنیادی، کاربردی و توسعه‌ای؛ آموزش هدفمند پایه‌ای، کاربردی مهارتی و حرفه‌ای، توسعه و... معارف روزامد، نوآوری مستمر همگام با پیشرفت دانش بشری، شناسایی همه جانبه نیازهای کشور در عموم عرصه‌ها، ارائه راهکارهای حل مسائل و تولید ثروت، مأموریت‌گرایی و پاسخگویی.

دانشگاه مطلوب، دانشگاه مستقل و ملی است که از بیرون در امور آن دخالت نمی‌کند و برنامه‌ها،

در همه کشورهای توسعه یافته علمی و صنعتی، دانشگاه کانون تحولات جامعه بوده و اصلی‌ترین سهم را در تولید ثروت، قدرت و اقتدار ملی دارد است



کمیت‌گرایی در دانشگاهها ضربات جبان ناپذیری بر پیکر آموزش عالی و فرایند توسعه هدفمند علمی کشور وارد کرده است

موضعیت علمی دانشگاه‌های ما را در حال حاضر چگونه می‌بینید؟

موضعیت دانشگاه‌های ما همگام با تحولات دمازون دانشگاه‌های کشورهای توسعه‌یافته علمی جهان نیست. جایگاه پژوهش و فناوری در کشور نیز حدیث کهنه و مکرری است که با وجود تأکیدهای پرشمار و گفتارهای زیبا در باب اهمیت راهبردی آن، براساس مجموعه شاخص‌های بین‌المللی متأسفانه قابل قبول نیست.

متأسفانه نظام آموزشی فعلی تدریس محور، خشک، عقیم و متنگی بر حافظه، بی‌روح و کسل کننده است. کمیت‌گرایی در دانشگاه‌های ضربات جبران ناپذیری بر پیکر آموزش عالی و فرایند توسعه هدفمند علمی کشور وارد کرده است. از آنجا که رشد بی‌رویه دانشجو نمی‌تواند فراورده‌های کارخانه‌های چاپ مدرک تبدیل شده‌اند. در این محیط‌های بی‌روح، ملال آور، یکنواخت و تکراری، استعدادها و اندیشه‌های این عزیزان می‌خشکد و بی‌آن که مجالی برای اندیشیدن درست بیابند، ذهن‌شان با مطالب پراکنده پر می‌شود. از دانش‌آموز و از دانشجوی بی‌اختیار که درس بخواند و درست نداند که فردا چه وظیفه و جایگاه و حتی شغلی برای زندگی خواهد داشت، چه انتظاری می‌توان داشت؟ مگر درس و مدرسه و دانشگاه برای تربیت آینده‌سازان کشور نیست؟ آیا مطالب درستی به دانش‌آموز و دانشجو آموزش می‌دهیم؟ آیا به او می‌آموزیم که چرا باید این مطالب را فراگیرد؟

در جهانی که آموزش‌ها با سرعتی شکرف، پژوهش محور می‌شود و میدان واقعی، پرورش تفکر است آموزش مطالب حتی اگر به خوبی صورت گیرد، تنها یک چاره‌ساز نیست بلکه باید بستری مناسب برای قدرت فکر کردن و انتخاب صحیح را فراهم آورد؛ طبیعتاً با تکرار علم، ترجمه‌های مرسوم و روش‌های کهنه و غلط آموزش، دانشگاه هرگز به مغز جامعه تبدیل نمی‌شود. نظری بر محورهای اصلی دانشگاه مانند استاد، دانشجو، مدیریت و کارکنان، برنامه و امکانات فیزیکی سخت‌افزاری و نرم‌افزاری به روشنی نشان می‌دهد که در علوم این عرصه‌ها و به دلایل متعدد فرهنگی، سیاسی، اقتصادی و صنفی، دانشگاه گرفتار مشکلات بسیار جدی و بحرانی است و چنین

کشور، برای توسعه اقتصادی به ویژه در بلندمدت نیز از ضرورت‌های اجتناب‌ناپذیر همه کشورهای است. توسعه درون‌زا به جای الگو قرار دادن کشورهای توسعه یافته علمی، مبتنی بر داشته‌ها و منابع درونی است. هر چند که برای استقرار و اعتلای پویای آن، باید از تجربیات ارزشمند توسعه بروند زا و مناسب با فرهنگ و ارزش‌های والای بومی بهره گرفت.

شایان تأکید است که در کشورهای توسعه یافته، رؤسای کشورها و مدیران ارشد، بر جسته‌ترین دانشمندان را به ویژه در حوزه‌های علوم و فنون راهبردی روز، در جایگاه مشاورین واقعی خود می‌گمارند و به طور منظم و مستمر از تراویش‌های ذهنی و تولیدات گرانسینگ فکری آن‌ها در جهت توسعه علمی واقعی کشور بهره می‌گیرند. استراتژیست‌های دانا هستند که با بهره‌مندی از مجموعه نظرات مردم و نیازهای آنان جهت کلی



امید چندانی ندارند. می‌پرسیم: ۲۵۰۴ دانشگاه و مراکز آموزش عالی دولتی، آزاد و غیر انتفاعی با حدود چهار و نیم میلیون دانشجوی در حال تحصیل و افزون بر ۶۸ هزار هیئت علمی و ۳۳۰۰ شرکت دانش‌بنیاد در ۳۶ پارک علم و فناوری، ۱۵۶ مرکز رشد علم و فناوری و ... روى هم، در حل مشکلات اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی کشور و به طور خاص در تولید ثروت ملی چه سهم و نقشی دارند؟ ایرادهای کار کجاست؟ نباید آن‌ها را بشناسیم و رفع کنیم؟ در جامعه‌ای که اکثریت بسیار عظیمی از «فارغ‌التحصیلان» دانشگاه‌ها، از جمله بیش از پانزده هزار پزشک- در قلمرو رشته خود فعالیت نمی‌کنند. در وضعيتی که حداقل ارتباط مناسب منطقی و عقلانی میان تنوع رشته‌ها، ظرفیت دانشگاهی با نیازهای حال و آینده کشور و مشاغل مولده وجود ندارد و همزمان با کمبود چشمگیر نیرو به ویژه نیروهای کاردار تکنیسین برای شماری از حوزه‌های مهم، در بسیاری از عرصه‌های دیگر «بازار کار» اشیاع شده است و صدها هزار مدرک گرفته دانشگاه بیکار هستند که در چند سال پیش رو، به میلیون‌ها نفر افزایش خواهند یافت.

۴ اما آمار نشان می‌دهد که تعداد مقاله‌های ISI ما رو به افزایش بوده است؟

در جامعه‌ای که غول استعداد و خلاقیت‌کش کنکور همچنان و پرنگ، حافظه‌های فرزندان ما را هدف گرفته است، گسترش خیره‌کننده تعداد دانشجویان و بهویژه در تحصیلات تکمیلی که در جهان مانندی ندارد انگرایی‌های بسیار عمیقی را در صاحب‌نظران دلسوی ایجاد کرده است. در شرایطی که به دلیل جالش‌های گوناگون آموزش عالی کشور آشکارا می‌توان با پرداخت پول، پایان‌نامه نوشت و مقاله‌ای ISI چاپ کردا

مگر در در توسعه نیافتگی ما، کمبود چاپ مقاله در ISI است؟ رتبه علمی واقعی ما را تعداد مقاله‌ها و تعداد ارجاعات به آن‌ها و مانند آن تعیین می‌کند یا سیاهه نوآوری‌ها، تولیدات و ثروت‌های تولیدشده و صادرات؟

آیا افزایش تعداد مقاله‌های «علمی- پژوهشی»، عرصه‌های گوناگون مانند صنعت و کشاورزی کشور را توسعه داده و صنعتی کرده است؟ و نیازهای مبرم جامعه را مرتفع کرده است؟ آیا کارآفرینی و فضای

است که در دانشگاه از نشاط و روحیه علمی چندان خبری نیست و دانشجویان پیش‌مدها ند و در گستره وسیعی سر در لاک خود فرو بردند. دانشگاه‌های ما، در ایفای ابتدایی ترین نقش خود یعنی تربیت نیروی انسانی کارآمد و مورد نیاز بازار کار (تولیدی) آنچنان که باید موفق نیستند و نتوانسته‌اند چرخه‌ای توسعه واقعی کشور را به گردش درآورند و در تولید اندیشه، دانش و اشاعه علم سودمند و در واقع حل مشکلات جامعه توفیق چندانی نداشته‌اند. از دانشگاه واحد چرخه معموب «مدیریت دانش» و فاقد رابطه ارگانیک با صنعت، کشاورزی، محیط‌زیست و مانند آن، انتظار تولید ثروت بیهوده است و دانشگاهی که در تولید ثروت، توسعه صنعتی و توسعه هدفمند و فراگیر کشور و بهبودی کمی و کیفی زندگی مردم نقش ممتاز نداشته باشد، بیمار است. جدایی آموزش و پژوهش و کمبود چشمگیر پژوهش‌های کاربردی - بومی؛ به نوبه خود گواه دیگری بر جدایی دانشگاه از مشکلات کشور است.

در آموزش‌های مرسوم، به جز مدرک و انبوی از پایان‌نامه‌های خاک‌خورده؛ بهندرت می‌توان علم و پژوهش سودمند را سراغ گرفت. بنابراین، بیشتر و توسعه‌علمی هدفمند را کشور مهجور و مغفول مانده و چرخه پژوهش در جامعه نازاست. باید بکوشیم که معلول را به جای علت نگیریم. اصل گرفتن معلول به جای علت؛ متأسفانه رویه بسیاری از ما شده است.

۴ آیا منظور تان این است که دانشگاه‌های ما به کارخانه‌های مدرک‌سازی تبدیل شده‌اند؟ واقعیت تلخ آن است که عموم فرزندان ما- این سرمایه‌های بالقوه گران‌سینگ که با امید و عشق برای آینده‌ای بهتر به دانشگاه وارد می‌شوند- و این مدارک به آن‌ها داده می‌شود؛ از حداقل کارایی، دانش سودمند و مهارت فردی برخوردار نیستند. آن‌ها، فراورده‌های دانشگاه‌های ما هستند و قطعاً نه می‌خواهند و نه انصاف است که استعدادهای شرگرف خدادادی‌شان را شکوفا نکنیم و در بازار کار مولده و واقعی نیز جایگاه نداشته باشند. کار به جایی رسیده است که قاطبه دانشجویان عزیز از همان سال‌های نخست تحصیل می‌دانند که مدارک آن‌ها، ارزش گذشته را ندارد و برای یافتن شغل مناسب در آینده

باید به داد دانشگاه رسید.
ما، راهی جز بهبود همه
جانبه دانشگاه و به ویژه آموزش
و پژوهش با نگاهی امروزی و ساخت مجموعه
نرم افزاری، سخت افزاری
و تأسیسات
متناسب نداریم

فروکاستن علم و پژوهش به تشریفات و سوداگری و ارتقا و ... و این برای آن‌ها که عمری را با عشق به کار مطالعه و پژوهش و دانشجویی روزگار می‌گذرانند، موجب شرمندگی و تأسف عمیق است

مقاله در بسیاری از مجلات بی‌هویت، سرقت‌های علمی و کپی‌برداری از پایان‌نامه‌ها و خرید و فروش آن‌ها و مقاله‌های علمی دیگران، تهیه پژوهش‌های دانشجویی، ترجمه رساله‌های خارجی به فارسی و یا ترجمه رساله‌های فارسی به انگلیسی، دلال بازی شرم‌آور و گسترد و حتی فروش «مدارک علمی» در سطوح مختلف، همه و همه از جمله رخدادهای مذمومی است که قارچ‌گونه رشد کرده و با تأسف عمیق، شاهد گسترش آن در بین دانشجویان و ظاهراً برخی از اعضای هیئت‌های علمی هستیم. فروش بدون رنج کالای تقلیلی به نام علم و پژوهش با قیمت‌های متفاوت که باورش برای دلسوزان باصفاً پس دشوار و تلخ است. برای نمونه اگر سری به خیابان انقلاب- این فرهنگی‌ترین خیابان ایران- حوالی دانشگاه تهران و میدان انقلاب یا به ویگاه‌ها بزنیم، شاهد «بازار مکاره و گرم!» و تبلیغات بسیار گستردۀ این «خرید و فروش و تجارت ناپاک» از سوی دهها شرکت، دلالان و عوامل آن‌ها هستیم و احمدی هم مزاحم آن‌ها نیست! دانشگاه‌ها نیز در برابر این تخلفات و تقلبات علمی گستردۀ عموماً بی‌تفاوتاند و اگر به فوریت و ریشه‌ای کاری نکنیم، دود آن نیز به چشم همه ما کشته نشیخان خواهد رفت. دستگاه‌های نظارتی مسئول، مسئولان فرهنگی و دوستداران واقعی علم و پژوهش چه می‌کنند؟ سخن از «علم فروشی» است. سخن از باریچه شدن علم توسط دلالان است. فروکاستن علم و پژوهش به تشریفات و سوداگری و ارتقا و ... و این برای آن‌ها که عمری را با عشق به کار مطالعه و پژوهش و دانشجویی روزگار می‌گذرانند، موجب شرمندگی و تأسف عمیق است. این وضعیت آیا چیزی جز اهانت به منزلت اجتماعی و فرهنگی دانشگاه و حیثیت علمی کشور است؟ پذیرش بدون ضابطه و ارتقای غیر موجه برخی اعضای هیئت علمی، ایجاد دوره‌های تحصیلات تکمیلی و گرفتن اینویه دانشجو در عموم دانشگاه‌هایی که حداقل هیئت علمی لازم و دیگر امکانات راندارند، همگی اقدامات فاجعه باری هستند که خسارات سنگین و جبران‌نایدیری بر جامعه و کیفیت آموزش و پژوهش در دانشگاه تحمیل کرده است.

چه راه حلی برای بهبود وضعیت دانشگاهها به فکر تان می‌رسد؟

کسب و کار را رونق بخشیده است؟ آیا به تولیدات صنعتی قابل رقابت با جهان توسعه‌یافته انجامیده است؟ در کجای جهان، تولید اینویه و مکانیکی مقاله که از موارد استثنایی که بگذریم، حتی در خارج به ندرت به آن‌ها استناد می‌شود، چرخ‌های توسعه هدفمند را به حرکت درآورده است؟ ISI را تنها در قواره و حد خودش، آن هم در صورت چاپ مقاله‌های سودمند برای کشور، بهبادهیم. در زمانهای که همه ستون زندگی انسان به علم و باسته است و بیش از همیشه تاریخ، انقلاب دانایی یک نیاز حیاتی برای بقا است، قطعاً تولید مدرک بی‌محتوا و مقاله دستوری و سفارشی، آموزش اطلاعات ترجمه‌ای هیچ دردی را دوا نمی‌کند، بلکه به دانش‌آموختگان- فرزندان عزیز و دلبند ما- با این همه استعداد، بیشترین جفا انجام گرفته و می‌گیرد. عدم مهارت و ناکارآمدی هرگز نمی‌تواند منشأ توسعه و پیشرفت باشد. بلکه افسردگی، یأس، نومیدی، بی‌تفاوتی و حرکت در خلاف جهت نیازهای جامعه، یعنی ویرانی را در پی دارد.

در سال‌های اخیر تعداد دانشگاه‌های ما هم رو به افزایش بوده است؟ بله، این همه در شرایطی است که بی‌اعتنای به همه چیز و بدون برنامه‌ای سودمند و هدفدار، به نحو فرایند بر ادامه پذیرش بی‌رویه دانشجو در عموم رشته‌ها اصرار می‌شود. چه کسی باید پاسخ‌گوی این مصیبتهای باشد؟ رشد قارچ‌گونه و بی‌حساب و کتاب دانشگاه‌های پیام نور، غیردولتی، غیرانتفاعی و جامع علمی - کاربردی به ویژه در هشت سال گذشته - چرا مدیران عالی کشور را به تأمل و اقدام مناسب و ادارن نمی‌کنند؟ با چنین نظام آموزشی ناکارآمد که توسعه‌نیافرگی را تحکیم بخشیده و دمار از روزگار فرزندان و آینده‌سازان کشور گرفته و می‌گیرد به کجا باید بناء برد؟ خدا به داد ما برسد. منصفانه بپذیریم که مدرک بی‌محتوا، فراورده ناکارآمد و فاقد حداقل مهارت‌های لازم و نامتناسب با نیازهای جامعه؛ کارکردی خلاف جهت توسعه و پیشرفت درست بوده است؟

بپذیریم که عدم توجه به کیفیت، و رشد کمی سرسام‌آور دانشگاه‌ها و دانشجویان، از اصلی‌ترین چالش‌های آموزش عالی است. «مقاله» سازی و تولید مقاله‌های تقلیلی و جعلی: اخذ پذیرش چاپ فوری

شدید، **نیست-ستنایی** دورة بیست و نهم | شماره ۲ | زمستان ۱۳۹۴

۴۶

شود

اصلی مرتفع

دانشگاهی شود

است درست

ما را در برگرفته

آموزش و پرورش و آموزش عالی،

کشوری توسعه یافته است به این توجه نکنید که چه مصرف می کند و چه تولید می کند، بروید در دیستانها ببینید کوکان چگونه آموزش می بینند. آیا برای ایجاد توسعه در جامعه آینده آموزش می بینند یا نه؟ اگر کوکان مقلد و سریه زیر بار آمدند، نه خلاق و منتقد، بدانید که این همانی توانند توسعه ایجاد کنند و اساساً اینها در یک جامعه توسعه یافته زندگی نمی کنند. ... بنابراین، برای توسعه باید از کوکستانها و دیستانها آغاز کرد.

در مرحله گذار بسیار دشوار و سرنوشت ساز کنونی، ما همچنان در آزمون و خطا به سرمی بریم و از اشتباهات پند نمی گیریم و چنین است که بین زندگی جامعه ما و زندگی «علمی» رابطه ای سیستماییک و پویا به چشم نمی خورد. ما با مسائل به شیوه پیشگیرانه عمل نمی کنیم بلکه به درمان های ظاهری دل خوش کرده ایم و پیداست که مبارزه روبنایی و درگیر شدن با معلول به جای «علت درمانی» هرگز آسیب های اجتماعی راحل نمی کند. یک سو نگری و نگاه مکانیکی و سلیقه ای هرگز جواب نمی دهد. رویکرد سطحی و توریستی به علم و پژوهش هرگز چاره ساز نیست. بدون تردید، ما به سیاست و استوار علمی بر پایه دانایی و توسعه انسانی، از نان شب محتاج تریم.

به یاد داشته باشیم که دانش و فناوری، خردمنی نیست. باید در فضای مناسب آن یعنی با زیست علمی و پژوهشی و به روز کردن همه زیرساخت ها، نهادهای علمی و صنعتی، ساز و کارهای مناسب و عامل های دخیل در آن، زیر ساخت اصلی پیشرفت را در درون جامعه نهادینه کرد.

از موارد استثنایی که بگذریم، متأسفانه دانشگاه در کشور ما به درختی می ماند که انواعی از میوه های درختان دیگر را به شاخه هایش چسبانده اند و پیداست که این «میوه ها»، به دلیل پیوند نداشتن با ریشه، فاسد می شود. چنین است دانشگاه که باید «کارخانه آمسازی» باشد؛ به «کارخانه مدرک سازی» تبدیل شده است. دانشگاه که مکان ساختن است به جایگاه از دست دادن و ویران کردن بدل شده و از رسالت راستین خود در بالا کشیدن علم و فرهنگ و دانشجو غافل مانده است!

ظاهر توسعه، هرگز توسعه واقعی نیست. نورث، دانشمند برجسته و برنده جایزه نوبل در هنگام دریافت این جایزه گفت: «اگر می خواهید بدانید که کشوری توسعه یافته است به این توجه نکنید که چه مصرف می کند و چه تولید می کند، بروید در دیستانها ببینید کوکان چگونه آموزش می بینند. آیا برای ایجاد توسعه در جامعه آینده آموزش می بینند یا نه؟ اگر کوکان مقلد و سریه زیر بار آمدند، نه خلاق و منتقد، بدانید که این همانی توانند توسعه ایجاد کنند و اساساً اینها در یک جامعه توسعه یافته زندگی نمی کنند. ... بنابراین، برای توسعه باید از کوکستانها و دیستانها آغاز کرد.

به تعبیری، نهال علم را نمی توان در گلستان کاشت، مگر برای زینت! توسعه گلخانه ای فریبینده است و ظاهرا به توسعه می ماند. جای درخت علم در مزرعه است. در مزرعه اجتماع است که در شرایط رشد مناسب و باغبانی مسئولانه، دلسوزانه و عالمانه به بار می نشینند و کام مردم را با میوه مورد نظر (نیاز) جامعه شیرین می کند. این مهم زمانی به طور فراگیر شدنی است که اهداف درست علمی مانند همگانی شدن آموزش عالی، روش و روح علمی از کوکستان تا بالاترین سطح و ترویج سراسری علم و فرهنگ علمی محقق شده باشد و جامعه خود باور، با پشتکار، اعتماد به نفس و صداقت راه خود را یافته باشد. بدون تردید، بدون برنامه و نقشه راه درست، با ثبات، جامع و هماهنگ در همه نهادها و قلمروهای مرتبط، پیشرفتی به دست نمی آید. خرد جمعی، عقلانیت و منطق حکم می کند که به این مسائل توجهی راهبردی شود تا بیماری های مژمن پیچیده و عمیق که آموزش و پرورش و آموزش عالی، مارادر برگرفته است درست شناسایی شود و به تدریج اما اصولی مرتفع شود.

عنی به نظر شما در سال های اخیر در هیچ یک از زمینه های علمی پیشرفت نداشته ایم؟

برای رعایت انصاف لازم به اشاره است که پیشرفت های قابل توجهی در برخی از قلمروها به ویژه فناوری های هسته ای، صنایع دفاعی و موشکی، هوا فضاء، سلول های بینیادی و فناوری نانو نیز داشته ایم که جنگ تحمیلی، تحریم ها، احساس و باور نیاز و توجه ویژه مسئولان نظام، اصلی ترین دلایل آن بوده است. اگر چه که باید اضافه کرد که با عنایت به ضرورت نگرش سیستمی به جامعه و در واقع وجود ارتباط متقابل و تکنگاتنگ میان همه اجزای فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی آن با یکدیگر، پیشرفت و توسعه واقعی، تهنا نواع متوازن و عادلانه آن در همه رشته ها و قلمروهای مورد نیاز و فراگیر در متن جامعه است.

باید پذیریم که پرورش شماری محدود از اقیانوس فرزنдан کشور، با امکانات ویژه، اساتید مجرب و در محدودی از رشته ها با موضوع های خاص و حتی کسب رتبه های بالای جهانی در این مقیاس اند ک اگر چه که خوب است، اما هرگز به مفهوم آینه

تمامنما تosesه هدفمند فرآگیر، پایدار، درونزا، متوازن و جهان نگر یک انتخاب نیست، یک الزام است

زندگی و ارتقای آبروی ما، در جهان می‌شود؛ پیشرفت واقعی علم، پژوهش و تولیدات ارزشمند علمی و پیش از همه، حل مسائل کشور است. چاپ مقاله برای ارتقا، چه نقشی در پیشبرد علم، تولید و ثروت ملی دارد؟ چه مسئله ملی ما را حل کرده است و به چه پرسش محوری و مبرم پاسخ بایسته داده است؟ مگر می‌شود عالمان توانا و دانشگاه در تصمیم‌گیری‌های کشور حداقل نقش خود را نداشته باشند و شاهد پیشرفت واقعی در کشور باشیم؟ دانشجویان و افراد اهل علم را باید واقعاً حمایت کرد، به آرا و نظرات ارزشمندان عنايت کرد، بستر مناسب برای حرکت و فعالیتشان را مهیا کرد، حرمت‌شان را پاس داشت تا در خانه بمانند. اگر چنین نکنیم، مهاجرت می‌کند پرندۀ، بی‌آشیان نمی‌ماند. پرواز می‌کند به آن جایی که آشیانه مناسبی داشته باشد و در این خساراتی جبران ناپذیر به جامعه و کشور تحمیل می‌شود. قدرتی که خاستگاهش علم نباشد، مُردّنی است، بر عکس، قدرت و سیاستی که سروری و سلطانی علم را آگاهانه پذیرا شود، روبه بالندگی است. علم همواره تحول آفرین و تمدن‌ساز بوده است و هیچ چیز بیشتر از تولید علم نافع برای جامعه، خوشبختی نمی‌آورد. آن گاه که ارزش علم به درستی معلوم شود و تلاش و کار هدفمند، مونس علم شود، تولید ثروت و رونق تولید و رشد اقتصادی، قطعی است. در چنان شرایطی، برون داد نخبگان دانشگاهی، پاسخ‌گوی نیازهای اصیل و مبرم اقتصادی، فرهنگی و اجتماعی و پشتیبان واقعی جامعه به ویژه در قلمروهای صنعت، کشاورزی، پزشکی و محیط‌زیست خواهد بود. توجه مسئولانه به این مهم، نیازمند نگرشی سیستماتیک و نظاممند است و عنایت به این مهم، به ویژه در زمانهای که با فرایندسازی، توسعه نیز با سرعتی چشمگیر در حال توسعه است، از اهمیت فوق العاده برخوردار است. توسعه‌ای که همه مؤلفه‌های آن به درستی و روزآمد دیده شده باشد و در آن مجموعه عامل‌های تأثیرگذار با یکدیگر در تعامل باشند و اثرات متقابل برهم‌گذارند، و در آن پیشرفت و ارتقای سطح زندگی مادی و معنوی آحاد مردم مدنظر باشد، قطعاً به رفاه، سلامت و سعادت مردم می‌انجامد.

پس برای توسعه علمی جامعه چه باید کرد؟

تمامنما سطح علمی ما، در آن رشته یا موضوع، و طبیعت‌آدیگر قلمروهای علمی، در جهان نیست. تا علم، پژوهش، فناوری و نوآوری، بخش زنده و فعال از فرهنگ جامعه نشود، نمی‌توان به نهادینه شدن و شکوفایی آن در جامعه دل بست. دانشگاه و مهم‌تر، آموزش‌وپرورش باید انسان‌هایی برای زمان خود تربیت کنند و استعدادهای فرزندان ما را متناسب با نیازهای زمان شکوفا کنند، باید همت کرد و در سایه فضل خدا و یکپلچگی و هم‌افزایی توان همه دوستداران علم، فرهنگ و فضیلت کاری کرد. باید به سوی دانشگاه مطلوب رفت. اصلاح ریشه‌ای ساختارها و استقرار ساختار کارآمد، از اهمیتی در حد اکسیژن برای زندگی برخوردار است. اصلاح ساختاری نیازمند تحول اساسی در تفکر و بینش، فرهنگ سیاست‌گذاری و تصمیم‌گیری و برنامه‌ریزی، قوانین و اجراست.

اشغال مسئولیت‌ها براساس تخصص و تعهد نیز پیش‌نیاز توسعه علمی و فنی است. مدیریت‌های علمی و پژوهشی به ویژه باید به مدیرانی دلسوخته، شجاع، صادق، شفاف، صریح، پاسخگو و کاملاً علمی و حرفه‌ای و اگذار شود.

نظرارت پویا، عالمانه، سالم و مستمر بر حسن جریان پیشرفت توسعه علمی و ایجاد ضمانت اجرایی از اهمیت محوری برخوردار است.

برای جلوگیری از آسیب‌های جبران ناپذیر معنوی و مادی بیشتر، به خصوص به جوانان عزیز و هدر رفتن منابع عظیم کشور، توقف کارشناسانه پذیرش بی‌ضابطه دانشجو به ویژه در دوره‌های تحصیلات تکمیلی- هم در بخش دولتی و هم در بخش غیر دولتی- و ساماندهی اصولی و مناسب آن از جمله فوری‌ترین اقدامات آموزش عالی است. چگونه می‌توان رضایت داد که فرزندان عزیز ما با امید به آینده وارد دانشگاه شوند و با ناکارآمدی تحملی، مدرکی در دست، بی کار بمانند یا بسیاری از آن‌ها راهی خارج شوند؟

علم و تفکر، تفند و بازی نیست. کاملاً جدی و انسانی است. هدف راهبردی و اصلی علم، چاپ مقاله و یا ترجمه کتاب نیست؛ بلکه حل مسائل ضروری جامعه است. هر عالی باید همواره نگران مسائل علم و پژوهش باشد، زیرا آنچه برای هر جامعه زنده و از جمله کشور ما بسیار حیاتی است و موجبات اعتلای

ما علم را با
مجموعه‌ای
از محفوظات
عموماً
وارداتی
اشتباه
گرفته‌ایم

تحولات در چه جهتی بوده است؟
ویزگی‌هایی که از حوالی ۱۹۹۰ و در «موج سوم علم» ظاهر شد، بسیار جدی و بسیار سریع رشد کرد و قامت برافراشت به نحوی که راهبرد مدیریت زندگی مبتنی بر چرخه مدیریت دانش در مرکز نقل توجهات قرار گرفت. برخی از این ویزگی‌ها را می‌توان چنین برشمرد: ساختار شبکه‌ای و پیچیده رشتۀ‌ای؛ آمیختگی کاملاً عمیق علم و کسب و کار و تبدیل دانش به ثروت؛ ضرورت بازاریابی دانش؛ ورود بازیگران جدید و جدی مانند بنگاه‌ها، شبکه‌ها و حتی خانواده‌ها به بازار تولید علم و از انصصار خارج شدن دانشگاه‌ها؛ جهانی شدن اقتصاد و اقتصاد دانش بنیان و در واقع فرو ریختن دیوارهای سنتی دانشگاه؛ عبور فرایند یادگیری از محدوده کلاسی‌های مرسوم و پررنگ شدن فضاهای مجازی همه و همه موجب شده است که مفاهیم تازه‌ای مانند «دانشگاه ارتباط آفرین»، «دانشگاه کارآفرین»، «دانشگاه در خدمت زندگی» و «دانشگاه و جامعه» سربرآورد. آری در کشورهای پیشرفتۀ علمی جهان، علم و دانش به مثابه سرمایه‌ای حیاتی و بی‌رقیب- و نه کالایی فرمایشی یا لوکس- در همه شئون- عمدتاً مادی- زندگی انسان ریشه دوانید و از کودکستان تا دانشگاه و از کارخانه تا مزرعه، از خیابان تا بیلبان، از آزمایشگاه تا بالین، و از سریاز خانه تا آشپزخانه را در بر گرفت و مدیریت زندگی، مبتنی بر چرخه مدیریت دانش شد. دانشگاه‌های «تسل سوم» یا کارآفرین به عنوان مناسب‌ترین مکان برای نوآوری مبتنی بر دانش، توانایی کشورهای پیشرفتۀ علمی و توسعه‌یافته را در تربیت کارآفرین و خلق بنیان‌های تولید ثروت و قدرت، دو چندان کرد. در این دانشگاه‌ها و مراکز و نهادهای پژوهش، به نحوی اجتناب‌ناپذیر، میان همه بخش‌های صنعتی، کشاورزی و تولیدی؛ همکاری و ارتباط سیستماتیک و پویا برقرار است.

بنابراین، دیدگاه‌های کهنه‌دانشگاه، دیگر کارآیی ندارد و مثابه خلاقيت، نوآوري و بهره‌مند از منابع و به ویژه سرمایه انسانی اقتصادي جدید و فراهم کردن و در واقع توسعه روزافرون دانشگاه‌ها و مراکز پژوهشی کشور به خود اختصاص داده است.

اما در حالی که توسعه علمی، فناوری و نوآوری به قدری بدینهی و انکارپذیر و بی نیاز از هر توضیحی است؛ متأسفانه، نظام دانشگاهی ما که خاستگاه آن «غرب» است، در مجموع در فضای اولی مرحله صنعتی شدن (حدود ۶۰ تا ۷۰ سال پیش) به سر می برد و چنین است که هم از پیشرفت و هم از رقابت یا مانده است.

باید شناخت خود را عالمانه، واقعی و روزآمد کنیم.
«غرب» به مفهوم دهه‌های گذشته وجود خارجی
ندارد. دانشگاه‌های ایشان نیز تصویر دهه‌های پیشین را
نشان نمی‌دهند. اکثریت ماز دنیای فناوری، نوآوری،
دانشگاه‌های امروز و فردا، همکاری‌های بین‌المللی
و ارتباطات آن‌ها بی‌اطلاعیم. توجه نداریم که بیش
از ۹۰ درصد اعتبارات پژوهشی تنها در معدودی
از کشورها (کشورهای توسعه‌یافته) جهان، هزینه
می‌شود و علم و فناوری موضوع کانونی ملی و
حاکمیتی آن‌هاست. تأکیدی کنیم که پیشرفت‌های
خیره‌کننده علمی و فنی در آغاز هزاره سوم، فرستنی
برای غفلت نمی‌گذارد و مگر می‌شود هم‌چنان
پژمردگی علم را در کشور به نظره نشست؟ علم و
فناوری باید از حاشیه به مت زندگی جامعه وارد شود.
بی‌مناسبی نیست اشاره شود که امروزه بایی سوادی
سیاه و سفید مواجه‌ایم. تکلیف بی‌سوادی سیاه
مشخص است. اینان از توانایی و نوشنی بی‌بهانه‌اند
و هم‌چنان در سراسر جهان حدود هشت‌صد میلیون
نفر (که حدود دو سوم آنان را زنان تشکیل می‌دهند)
از این نوع بی‌سوادان وجود دارد. اما بی‌سوادان
سفید، کسانی را در بر می‌گیرد که افزوون بر توانایی
خواهند، نوشتند؛ کشیری از آن‌ها تا بالاترین سطوح
تحصیلی پیش‌رفته و مدرک‌های متعدد دانشگاهی
نیز گرفته‌اند اما در عمل؛ از فقدان سواد مهارتی
و حرفه‌ای، تحلیلی، پرورشی، ارتباطی، رسانه‌ای،
عاطفی، رایانه‌ای و مانند آن رنج می‌برند. این
«بی‌سوادان» طبیعتاً نقش چندان مثبتی در توسعه
و پیشرفت واقعی و پایدار ندارند.

بر ماست که با شناختِ درست ضرورت‌ها و نیازهای زمان و استفاده بهینه از فرصت‌ها در شرایط حساس کنونی و همراه با توجه مستمر بر جذب و هضم هدفمند راه‌آوردهای علمی، در نهادی کردن دانش و فناوری‌های مورد نیاز در دانشگاه‌ها و مراکز علمی و پژوهشی کشور بکوشیم تا دانشگاه هم به نیازهای کنونی جامعه پاسخ شایسته بدهد و

در همه
عرصه‌های
زندگی، و به ویژه
در مدرسه
و دانشگاه-
آموزش و پرورش،
و آموزش عالی-
باید به خود
آییم، و آنچه را
که رسالت‌های
اصلی و ذاتی این
دونهاد راهبردی
است، سامان
دهیم

با نگاهی امروزی و ساخت مجموعه نرم‌افزاری، سخت‌افزاری و تأسیسات مناسب نداریم. از هر منظر و زاویه که نگاه می‌کنیم، به دانشگاه زنده برای ماندن با افتخار و سربلندی در جهان محتاجیم. و از جمله برای عبور از اقتصاد نفتی و خام فروشی جانکاه، و استقرار اقتصاد دانشگاه و دانش بنیان؛ به جز دانشگاه واقعی که مهد نخبگان و خرد جمعی و روزآمد باشد، راهی دیگر نداریم. دانشگاه سالم و زنده دانشگاهی است که اگر به هر دلیلی، چرخه‌های آن از حرکت بازایستد، در نزدیک‌ترین زمان آثار نامطلوب حاصل از آن، بر همه قلمروهای پیشرفت و توسعه نمایان شود. چنان‌چه این نقش ممتاز را در کشورهای پیشرفت‌هه علمی داراست. کافی است تصور کنیم در کشوری مانند زیان به طور مثال، دانشگاه و مراکز پژوهشی آن تعطیل شود، آن کشور دچار چه سرنوشتی خواهد شد؟ افرون بر آن، ترکش‌هایی چنین رخدادی، اقتصاد و سهام چند کشور را متأثر خواهد کرد؟ با همه وجود پیزیریم که توجه واقعی به دانشگاه، علم و علم‌آموزی- که مرزی نمی‌شناسد- بزرگ‌ترین سرمایه‌گذاری برای آینده کشور است. تلاش‌هایمان را هماهنگ و هم‌افزا در مسیر نوآوری و کارآفرینی عاشقانه به کار گیریم. دانش و مهارت‌های خود و در رأس آن جوانان را به طور مستمر ارتقا بخسیریم. در دام چارچوب‌های سطحی و مرسوم شده، گرفتار نشویم، برای خدا، در جانزینیم و در جهت خلق تجربه، نوآوری، ایده محصول و... حرکت کنیم.

در همه عرصه‌های زندگی، و به ویژه در مدرسه و دانشگاه- آموزش و پرورش، و آموزش عالی- باید به خود آییم، و آنچه را که رسالت‌های اصلی و ذاتی این دونهاد راهبردی است؛ سامان دهیم. به محظوظ و کیفیت درست بیندیشیم و خوب عمل کنیم و عمیقاً باور کنیم که با کمیت‌گرایی، برخوردهای شعارگونه پوپولیستی و سطحی نمی‌توان به مقصده رسید. چنان‌چه با پوشیدن فاخرترین لباس به تن رنجور یک بیمار؛ هیچ درمانی حاصل نمی‌شود. دارویی درست، در زمان مناسب و به اندازه کفایت؛ هر چند که تلخ باشد؛ درمان را به ارمغان می‌آورد. به تعبیری درختان زیادی هستند که به دلایلی مانند بی‌تدبری و غفلت باغبانان در جوار چاهی سرشار از آب گوارا و حیات‌بخش پژمرده یا خشک شده‌اند! مدارس و دانشگاه‌هایمان، را درست باغبانی کنیم. هر

هم به مثابه کانون حیات و شکوفایی استعدادها و مغز متفکر جامعه درآید. موفقیت، در سایه ایمان و توکل به پروردگار و در عبوری سخت اما، مؤمنانه، عاشقانه، همدلانه، علاقلانه و عالمانه، دست یافتنی است. اراده جمعی قوی و تلاش انسان‌گونه رمز اصلی فتح قله‌های بلند است. فراموش نکنیم که در مسیر توسعه درون‌زا، هدفمند، متوازن و چند وجهی، دانشگاه به مثابه نهاد علمی، پژوهشی، تولیدی اجتماعی و فرهنگی و تولید ثروت- که وامدار و خدمتگزار ملت است- باید نقش ممتاز خود را ایفا کند. دانشگاه مگر می‌تواند از ملت تعذیب کند، اما از نیازهای آنان غافل شود؟ همه با هم باید کاری کنیم که دانشگاه از انفعال و «خواب سنگین دیرپایی» بیدار شود و با تدارک همه نیازها، ابزارها، بسترها و زیرساخت‌های مطلوب و روزآمد، پویا و بانشاط زندگی کند. نقش‌آفرینی دانشگاه اصیل، به عنوان نهاد تولید دانش، در تولید سرمایه‌های ارزشمند اجتماعی، توسعه فردی و جمعی، انتشار دانش نافع، گسترش مرزه‌های آموزش و مهارت‌های در حال تحول و مانند آن انکارانه‌پذیر است. چنین دانشگاهی می‌تواند راهنمای دولتمردان در فرایند توسعه هدفمند و پایدار به مثابه بنیان توانمندی‌های آینده کشور به شمار آید.

۶ باید طرحی نو در انداخت تا دانشگاهی در خدمت زندگی انسان‌ها داشته باشیم.

دانشگاهی که در مسیر توسعه معنوی و مادی جامعه گام بردارد. دانشگاهی پاسخگو، که کیفیت و کارآمدی اصلی‌ترین دغدغه آن باشد. الگوی جامعه کارآفرینی و اشتغال داشته باشد. فراورده‌های پشت‌میز نشین، بی‌سواد روز، فاقد مهارت، خلاقیت و نوآوری بیرون ندهد. هویت اصیلی داشته و در تولید سرمایه‌های معنوی و مادی پیش‌تاز باشد.

دانشگاه‌های ما باید در جایگاه رفیع خود بنشینند و دانشجویان ما نیز از قدرت تحلیل انتقادی، تفکر به روش علمی، اندیشه‌ورزی، مسئله‌یابی، و خلق نوآوری‌ها و فرصت‌های ارزشمند برخوردار باشند و «پرسش‌آفرین» و «پاسخ‌جو» باشند و فارغ از منفعت‌طلبی شخصی؛ با کرامت، عزت‌نفس و آزاده، خدمتگزار راستین مردم باشند.

باید به داد دانشگاه رسید. ما، راهی جز بهبود همه جانبه دانشگاه و به ویژه آموزش و پژوهش

با امید به
میدان آمدن
مخالصانه
جانانه
مخاطبان
بهویژه
دیبران و همه
صاحب نظران
خیرخواه
با وجود
تنگناهای
فراوان راه را
هر چند ناقص
آغاز کردیم

غفلت یا تأخیری در این مسیر؛ چالش‌های عمیق و آسیب‌های شدید اجتماعی و ملی جبران ناپذیری را در پی خواهد داشت. در این مسیر، البته نباید نویید بود که: «گفت پیغمبر (ص) که گر کوبی دری/اجرم زان در برون آید سری.»
به قول شاعر: اندکی با توبگفتیم غم دل ترسیدم/ که دل آزرده شوی، ورنه سخن بسیار است.
از خداوند سبحان می‌خواهیم به همه ما توفیق شناخت درست ویژگی‌های جهان کنونی و کشور عزیز و منافع واقعی آن و نیز وظیفه و خدمت به جامعه را عنایت فرماید. هم‌چنین باری مان کند تا با عنایت به منزلت و جایگاه رفیع علم، عالم و پژوهش در فرهنگ غنی اسلام و در سایه تلاشی سخت و اراده ملی، توسعه و پیشرفت علمی کشور، ارزش و جایگاه واقعی خود را بیابد.

۶ بگذارید دو سؤال آخر را در رابطه با مجله خودمان مطرح کنم: شما در مدت ۱۴ سال سردبیری مجله رشد آموزش زیست‌شناسی ۳۷ شماره از این مجله را سردبیری کردید. آیا در این مدت به اهداف خود رسیدید؟

پاسخ به این پرسش که آیا «رشد آموزش زیست‌شناسی» در خلال دوران ۱۴ ساله مدیریت علمی اینجانب و همکاران محترم هیئت تحریریه توانسته است به اهداف خود دست یابد با عنایت به دشواری‌ها و کاستی‌های بی‌شماری که در مسیر انتشار آن وجود داشته است، چندان آسان نیست. البته به طور طبیعی خوانندگان ارجمند آن سال‌های نشریه، بهویژه کسانی که از ابتدای راه و به طور مستمر در جریان کار و مطالعه آن بوده‌اند، بهترین قضاوت‌کنندگان و پاسخ‌دهندگان این پرسش هستند. در ارتباط با خدمتگزاران نشریه، با صداقت و صمیمیت کامل به عرض می‌رسانیم که در تمام طول راه، حداکثر تلاش خود را به کار بسته‌ایم که با بهره‌گیری از همه امکانات کمی و کیفی بسیار محدودی که داشته‌ایم، در مسیر رضای خالق و جهت تحقق هدف‌های مجله گام برداریم. و با شرح صدر و رهایز هر گونه حب و بعض نفسانی و فرهنگ تملق و چاپلوسی در انتشار مجله از اعمال سلیقه‌های شخصی و یا خدای ناکرده هر گونه خود کامگی به هر صورت و تحت هر عنوان جداً پرهیز نماییم و امید داریم توفیق آن را یافته باشیم تا در عمل این اعتقاد را با کاشتن بذر باور در قلوب مخاطبان و عزیزان متعهد

و حق طلب به اثبات رسانیده باشیم. در شروع کار که با تعداد بسیار اندکی از عزیزان این وظیفه را بر عهده گرفتیم، بهویژه با توجه به خرمی از مشکلات و موانع، هرگز گمان نمی‌بردیم که قادر گردیم این همه سال را در خدمت باشیم و به خصوص بتوانیم تمام شماره‌های انتشار یافته مجله را، در مجموع به موقع آماده و منتشر کنیم. البته، پیوسته تلاش جمعی خود را در بهبود و ارتقای مجله به کار می‌گرفتیم و با تجربه‌اندوزی، صادقانه تلاش مستمر نمودیم که هر شماره از مجله، پریارتر از شماره پیش آن باشد. امید آن که در عمل توانسته باشیم گوشاهای از مسئولیت خطیر خود را در مسیر انتلاعی دانش زیست‌شناسی و در پاسخ به اهداف نشریه انجام داده و رضایت خاطر شریف مخاطبان را فراهم آورده باشیم. البته با قضاوت از اینبوه نامه‌های تشویق‌آمیز و لبریز از محبت‌های دوستان ارجمند، خوشبختانه می‌توان ادعا کرد که مجله در سطح وسیعی مخاطبان خود را یافت و تعداد علاقه‌مندان این نشریه به طور فزاینده‌ای افزایش یافته است. به طوری که در هر شماره دوستان تازه‌ای به جمع یاران، همکاران، خوانندگان و مخاطبان باوفا و قدیمی نشریه اضافه شده‌اند و محفل ما را گرمی و صفا بخشیده‌اند. ما نیز همواره کوشیده‌ایم تا در جهت تحقق نظرات منطقی و صائب خوانندگان گرامی خود قدم برداریم در حداکثر توان، خواسته‌ها و سلیقه‌های گوناگون مخاطبان را از نظر دور نداریم و مجله، به عنوان پلی رابط میان برنامه‌ریزان کتب درسی با مجریان اصلی آن (دیبران و معلمان) دست کم توانست برخی از نارسایی‌ها را مرتفع کند، و به خصوص در محورهای اصلی موضوعات درسی، دستاوردهای تکمیلی جدید مربوط به آن را به شیوه مؤثر، به دانش‌آموزان و سایر دانشوران منتقل کند، یا دست کم در کوتاه مدت، نقش کتاب راهنمای (شناور و پویای) معلمان زیست‌شناسی را بیش و کم ایفا کند.

بدون ذره‌ای تعارف تأکید می‌کنیم که ما فقط خدمتگزاران ناچیز و بی‌ادعایی بودیم که با امید به میدان آمدن مخالصانه و جانانه مخاطبان بهویژه دیبران و همه صاحب‌نظران خیرخواه با وجود تنگناهای فراوان راه را هر چند ناقص آغاز کردیم. با ما، یا بی‌ما؛ قدر مسلم صاحب‌خانه معلمان و دیبران زیست‌شناسی هستند که در هر زمان باید قدمهای اساسی بعدی را در دوام و غنای هر چه بیشتر مجله، و مهم‌تر انتلاعی دانش‌های سودمند- مانند علوم

بدون ذرهای تعارف تأکید می کنم که ما فقط خدمتگزاران ناچیزو بی ادعایی بودیم

زیستی- در کشور خودشان بردارند و از فرصت های بسیار گذراي عمر، در ادای وظایف خطیر خویش استفاده نمایند.

وقتی که خاطرات گذشته را مرور می کنید، بیشتر چه خاطره هایی به ذهن شما می آید؟ وقتی آن همه خاطرات تلخ و شیرین گذشته را مرور می کنم و به یاد می آورم که در لحظه لحظه های آن ایام و در عرصه های گوناگون مربوط به حیات مجله، با وجودی که با دشواری ها و تنگناهای فراوان دست به گریبان بودیم، استوار و پر تلاش، مصمم و معتقد راه را می پیمودیم و با بالا بردن کیفیت مجله رشد- و در واقع رشد آن- که از خلال نامه های بی شمار مخاطبان، محبت ها و تشویق های گران سنگ آنان به چنین قضاوتی رسیدیم؛ لذت می بردیم، تنها و تنها مطلبی را که در رابطه با این توفیق می توانم به عنوان جان کلام عنوان کنم، لطف و مرحمت خداوند سبحان بوده است که به یقین همواره شامل حال تمام کسانی است که به قصد قربت به او و خدمت به بندگانش، مخلصانه دامن همت برمی بندند و از مشکلات نمی هراسند. که «نایبرده رنج گنج میسر نمی شود» و مانیز به فضل خدا، از دشواری ها هراسی به دل راه ندادیم و مدد او آن چنان بود که تا زمانی که می خواست راه را پیمودیم، بیان این نکات نه به این خاطر است که خدای ناکرده به تعریف از خود بپردازیم که اعتراف می کنیم بدون تردید کاستی ها و نواقص بی شماری داشتیم که باز هم از قدر متعال طلب اصلاح و هدایت خود را داریم، بلکه تأکیدی بر این مطلب است که سختی ها و مشکلات با هر عظمتی هم که باشند، به شرط اخلاقی، همت، استقامت، پشتکار، همدى و توکل بر خداوند سبحان، رفع شدنی هستند.

چرا شما کار سردبیری این مجله را ادامه ندادید؟

در سال های فعالیت این جانب و همکاران محترم در نشریه، جلسه های فراوانی را با رئیس محترم وقت

سازمان پژوهش و برنامه ریزی آموزشی به تنها یا و یا با برخی از همکاران زیست شناس و یا اعضای هیئت تحریریه نشریه، داشتیم. فضای حاکم بر این جلسه ها در کنار برخی تفاوت دیدگاه ها که بسیار طبیعی است؛ کاملاً صمیمانه، صادقانه، محترمانه و فرهنگی بود و با رعایت احترام و ادب متقابل، هماهنگی ها و تعامل های ارزشمندی انجام می شد. با استفاده ایشان در مهرماه ۱۳۷۲ به تدریج عرصه بر ارائه خدمت این نشریه تنگ و تنگ تر شد و محدودیت های یکی پس از دیگری دامن مجله را گرفت. بنده و همکاران برای حفظ حیات مجله ای که در پی تأسیس آن با خون دل های بسیار و دشواری های طاقت فرسا در خلال ۱۴ سال؛ نهایت تلاش، صبوری و خویشتن داری را به کمک گرفتیم و با گذشت در حدی که البته هدف های مجله دچار آسیب جدی نشود؛ مسائل حاشیه ای را نادیده می گرفتیم. اما با تأسف آن ها که تصمیم خود را گرفته بودند، و با وجود وعده های مثبت حضوری؛ عملکاری انجام ندادند.

این وضعیت هم چنان ادامه داشت، و با همه سختی ها و البته با کندی در پیشرفت، هم چنان به کار خود ادامه دادیم. تا این که توسط یکی از همکاران محترم هیئت تحریریه مجله باخبر شدم که یکی از کارکنان بازنشسته همان دفتر به عنوان سردبیر جدید مجله منصب شده اند.

از جمله نکاتی که- در شماره ۳۶ نشریه (مربوط به زمستان ۱۳۷۴) به صراحت بر اعمال سلیقه و دخالت های ناروا دلالت دارد؛ کنار گذاشتن سخن سردبیر (سرمقاله) امضا شده این جانب به عنوان سردبیر قانونی نشریه در آخرین روز های ارسال نشریه برای چاپ و جایگزین کردن آن با «سرمقاله ای» است که فارغ از محتوای کیفی و کمی اش، نه تنها متعلق به بنده نبود که روحی از آن بی خبر بوده است! نمونه دیگر، انتشار نشریه رشد شماره ۳۷، بهار ۱۳۷۵، بدون سخن سردبیر «سرمقاله» این جانب است! این رفتارها، بدون حتی کمترین اطلاعی به این جانب انجام گرفت.

شایان تأکید است که از بهار ۱۳۷۵ به بعد، برای مدت ۱۵ ماه، نشریه تعطیل شد! این مهم در شرایطی است که بنده و اعضای محترم تحریریه در خلال ماههایی از سال ۱۳۷۵، هم چنان فعالیت های قانونی خود را دنبال کردیم. شایان توجه است که شماره بعد (شماره مسلسل ۳۸) نشریه در پاییز ۱۳۷۶، منتشر شد!

سپاسگزاریم.